

ابوالفضل پاشا  
شاعر و پژوهشگر ادبی

نگاهی نو به نوآوری های شعر دفاع مقدس

## شعر جنگ در ساحت تأویل

بیانی جدید دارند و اصولاً ذهنیت شان جدید است. زن بر فراز پلکان نشسته است/ ریشه شانه هایش/ به تلاطم دریا می ماند/ و تابوت های درگذر را/ نظاره می کند/ دو تابوت بر شانه ها، سپیده، و دو شهید، ققتوسی است.

«مجید زمانی اصل»

### و مثالی دیگر:

گاهی در اتاقی گم می شویم/ گاهی اشک امان مان را می برد/ گاهی هم اصلاً از پا می افتیم...  
گاهی تنها اهی کوتاه/ و گاهی حتی لبخندی بی رنگ/ که معنی اش را نمی دانیم...  
گاهی اما/ ماه می گیرد/ و شب طول می کشد تا شب بعدی/ تا شب های بعدی/ و کوه می لرزد از اندوه/ زلزله می آید.../ این دیگر باید مرگ بزرگی باشد/ مرگی از آن گونه که نصیب تو شد...

«حمیدرضا شکارسری»

در هر دو این شعرها، نوع نگاه به موضوع، واژه، موسیقی و هماهنگی حاصل از تقدم و تاخر مصراع، در خور تحسین است. اگر اما بخواهیم دقت در زبان و زیبایی های آن را نیز به همه این عوامل بیفزاییم، شعری از این دست را شاهد خواهیم بود:

هر چیزی را جای خود می گذارد/ خشایی را توی اسلحه/ اسلحه را توی سنگری که در عکس می سازیم/ سنگر را توی خاکریزی که دشمن نداند چه خاکی بر سرش بریزد/ خاکریز را توی شبی که میدان مین به سرنیزه ها می رسد/ شب را توی دعایی که خواندندش از اینجا شروع می شود/ دعا را توی قلبی که در قرن بعدی شنیده خواهد شد...

«محمد آرم»

به امید آن که چنین شعرهایی را بیشتر شاهد باشیم!



## ۲ رباعی جنگی از بیژن اردن

یک

جنگ و جنگل، درخت و آدم پز مرد  
آدم چون موربانه جنگل را خورد  
می ساخت چقدر نردبان چوبی  
نچار که جنگ، هر دو پایش را برد

دو

خط اول بود که پایش را برد  
خط خورد گلویش و صدایش را برد  
دارد کفش من و تو را می دوزد  
کناش که جنگ کفش هایش را برد



۱۶۱



## از تمام روشنایی ها

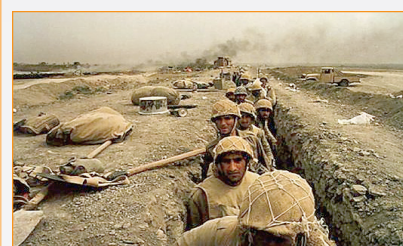
حمیدرضا شکارسری

خوانش شعری از بهزاد عبدی

### بیان حماسی مدرن

«و آن قدر به دنیا می آیم  
تا دیگر در مرگ  
کشته نشوم...»

بیان حماسی را معمولاً با زبانی سخته، تتراشیده و خشن می شناسند. از همین رو بیان حماسی، گاه با بهره گیری از زبان باستان گرا، و نه تنها با زبانی برجسته، بر آشنایی زردایی و غریبه گردانی خود به عنوان متنی ادبی تاکید می کند، بلکه از نامتعارف بودن زبان آرکاییک به نفع سختگی و خشونت خود بهره برد.



با این حال، مهم تر از نوع بیانی و خشونت زبانی که بخشی از فرم شعر را می سازند، محتوای خشن، ناسازگار و پرخاشگر شعر است که ژانر حماسی را ایجاد می کند. شعر «بهزاد عبدی» شعری حماسی است، اما نه به دلیل نوع بیان و زبان، بلکه صرفاً به خاطر محتوای متن.

\*\*\*

«عبدی» شعر را با حرف ربط «و» آغاز می کند و با این شگرد بیانی ویژه می خواهد به مخاطب بفهماند که این شعر، پیش از آغاز این شعر شروع شده است! راوی گویا نبردها و جنگ های زیادی را پشت سر گذاشته است. رخدادهایی که در روزگار ما تجاربی آن قدر آشنا و بلکه معمولی و روزمره اند که دیگر نیازی به گفتن ندارند.

راوی بین مرگ و کشته شدن تفاوت قائل می شود. همان انتظاری که از کلمه با ابعاد متفاوتش در متنی شعری داریم. ابعادی که باعث می شود یک شاعر نتواند هیچ دو کلمه مترادفی را پیدا کند. شاعر اساساً با ترادف کلمات موافق نیست؛ چون هیچ کلمه ای را به طور کامل، همتر از کلمه ای دیگر نمی داند. نکته ای که از تفاوت های مهم متون داستانی و شعری محسوب می شود. سرباز در جنگ نمی میرد، بلکه کشته می شود و همین دقیقه، ذهنیت شاعر ما را برای خواننده آشکار می سازد.

راوی ضد جنگ این شعر، سماجی خستگی ناپذیر را به نمایش می گذارد. سماجی که متن را پرخاشگر و ناسازگار می نماید. او می خواهد مرگ را خسته کند و وجه شاعرانه اثر هم درست در همین جا شکل می گیرد.

او از موجودی ذهنی و مفهومی مجرد، انتظاری فراواقعی و نامعقول دارد. چیزی که امکان وقوع ندارد، اما در منطق این متن، با مبالغه در سماجیت راوی در به دنیا آمدن های متعدد، باورپذیر می گردد. بهزاد عبدی در این شعر با بیانی مدرن به متن حماسی بعدی تازه بخشیده است. بعدی که در سایه مؤلفه های متن، با خوانش نشانه شناسانه و تأویل گرای خواننده شکل می گیرد.

۱. زیباییات غمگینم می کند، بهزاد عبدی، چشمه، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳